

طراحی و آزمون الگوی علی رابطه بین سبک‌های مقابله و عاطفه مثبت و منفی با بخشش در دانشجویان

نویسندگان: سودابه بساک نژاد^{۱*}، فاطمه امینی^۲ و اسماعیل هاشمی شیخ شبانی^۳.

۱. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه شهید چمران اهواز
۳. استادیار روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

* Email: Soodabeh_bassak@yahoo.com

چکیده

این مطالعه با هدف ارائه الگوی علی رابطه بین سبک‌های مقابله و عاطفه مثبت و منفی با بخشش در دانشجویان دانشگاه صورت گرفته است. در این مطالعه علی-همبستگی، جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهیدچمران می باشند که به روش تصادفی مرحله-ای، ۳۵۱ نفر (۲۰۸ دختر و ۱۴۳ پسر) به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. آزمودنی‌ها در این پژوهش به سه مقیاس گرایش به بخشش هارتلند (HFS)، پرسشنامه سبک‌های مقابله (CSQ) و مقیاس عاطفه مثبت و منفی (PANAS) پاسخ دادند. ارزیابی الگوهای پیشنهادی با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری (SEM) بر اساس نرم افزار AMOS-16 انجام گرفت. تحلیل‌های الگویابی معادلات ساختاری نشان دادند که الگوی پیشنهادی پیشایندها برازنده داده‌ها نمی‌باشد و به اصلاح نیاز دارد. در نتیجه، با حذف مسیرهای غیر معنی‌دار برآزش الگوی نهایی پیشایندها با داده‌ها نیز با RMSEA ۰/۰۶ تأیید گردید. استفاده از آزمون تفاوت مجذور کای نیز روند بهبود الگوی نهایی را مورد تأیید قرار داد. بر اساس نتایج مدل، راهبردهای مقابله از طریق عاطفه مثبت انطباقی اثر غیر مستقیم معنا داری بر بخشش دارد و از میان راهبردهای مقابله غیر انطباقی، مقابله هیجانی بر بخشش اثر غیر مستقیم معناداری از طریق عاطفه منفی داشت اما برای مقابله اجتنابی چنین رابطه غیر مستقیم معناداری با بخشش از طریق عاطفه منفی گزارش نشد.

کلیدواژه‌ها: بخشش، سبک‌های مقابله، عاطفه مثبت و عاطفه منفی.

روان‌شناسی بالینی و شخصیت

داشور
وشتار

• دریافت مقاله: ۹۰/۸/۸

• پذیرش مقاله: ۹۱/۱۰/۴

Scientific-Research Journal
Of Shahed University
twentieth Year, No.8
Spring & Summer
2013

Clinical Psy & Personality

دوفصلنامه علمی- پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال بیستم - دوره جدید
شماره ۸
بهار و تابستان ۱۳۹۲

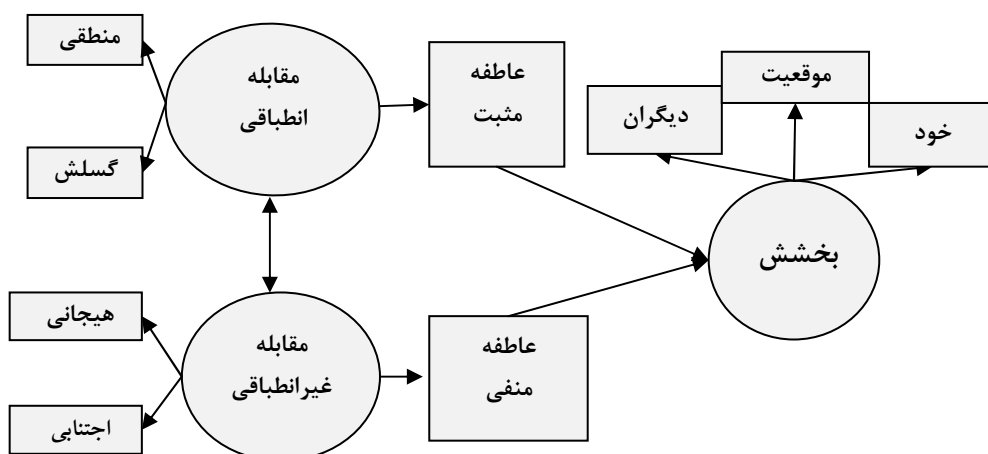
مقدمه

وپریشانی همراه با رویدادهای منفی زندگی را کاهش دهند. یافته‌های والروند-اسکینر [۸] نشان می‌دهد که بخشش می‌تواند تصنعی و عجولانه (فقط برای نجات و رهایی از یک مشکل بزرگ)، مشروط (یعنی به شرط عدم تکرار خطا و عذر خواهی فرد خطا کار) و با اصالت (رفتار نوع دوستانه و پذیرش شناختی و احساسی خطا) باشد. بخشش با عوامل شخصیتی، سبک‌های مقابله‌ای و عواطف رابطه دارد. هموند، بنکز و متیس [۹] معتقدند که بخشش با عواطف، شناخت‌ها و رفتارهای مثبت بروز می‌کند. وقتی فردی تصمیم می‌گیرد تا رفتارهای فرد خطا کار را ببخشد یک تغییر در تجربه عاطفی خود احساس می‌کند. یافته‌های تحقیقی مختلف [۱۰ و ۱۱] نشان می‌دهند که عاطفه مثبت و بخشش رابطه مثبت معنی‌داری با هم دارند. بنابر این عاطفه مثبت منجر به رضایت مندی و بخشش بیش‌تر در قبال حوادث منفی می‌گردد. یافته‌های لاولررو و پیفری [۱۲] در سربازان مبتلا به اختلال فشارروانی پس‌آسیبی نشان می‌دهد که عواطف مثبت منجر به احساس رضایت از زندگی، شکرگزاری و بخشش خواهد شد. مطالعه روی جمعیت‌های مختلف از جمله افسران ویژه ارجاعی به مراکز مشاوره [۱۳] و افراد مطلقه [۱۴] نشان می‌دهد که بخشش بین فردی رابطه معکوسی با عاطفه منفی دارد. برای بخشش نیاز است تا فرد آسیب‌دیده از پاسخ‌های عاطفی و هیجانی منفی رهایی یابد و پاسخ‌های هیجانی مثبت را در خود تقویت کند [۱۵]. در این میان، مک کولوگ [۱۶] توصیف می‌کند افرادی که تجربه هیجان‌ات منفی در باره حوادث مختلف دارند میل به بخشیدن در آن‌ها کاهش می‌یابد زیرا قادر به پذیرش عواطف مثبت و حذف احساسات منفی خود نیستند. سبک‌های مقابله‌ای یکی دیگر از سازه‌های روانشناختی است که با بخشش رابطه دارد. سبک‌های مقابله‌تلاشی برای حل تنیدگی و افزایش راه‌حل‌های موثر و عملی برای چالش با موقعیت‌های فشارزای زندگی می‌باشد. استرلان و کوویک [۱۷] بخشش را نوعی مقابله عاطفی با موقعیت‌های چالش‌برانگیز می‌دانند که فرد را وادار می‌کند تا با احساسات و عواطف

بخشش یکی از سازه‌های روانشناختی مثبت‌نگر می‌باشد که می‌توان آن را در متن خطایی که هر فرد آن را ادراک می‌کند، تفسیر کرد [۱]. خطایی که هدف بخشیده شدن قرار می‌گیرد می‌تواند از سوی فرد خطا کار، گروهی از افراد خاطی یا موقعیتی غیر قابل کنترل مثل رویارویی با یک بیماری صعب‌العلاج، مواجه شدن با مرگ عزیزان طی یک حادثه بروز کند. تامپسون، اسنایدر، هافمن، مایکل، راسموسن، بیلینگ و همکاران [۲] توصیف می‌کنند وقتی افراد، خطا و خطا کار را می‌بخشند، آن‌ها به پردازش شناختی، عاطفی و رفتاری خطا می‌پردازند و پاسخی مثبت در جهت بخشیدن خطا بروز می‌دهند. بخشیدن دیگری به معنای چشم‌پوشی از خطای ادراک شده نیست بلکه بخشش یک فرایند دیالکتیکی است که از طریق آن افراد مفروضات قبلی‌شان را در هم می‌آمیزند و منجر به درک جدیدی از خطا، فرد خطا کار و پیامدهای خطا می‌شوند. یافته‌های توساینت و ویلیام، موسیک و اورسان [۳] اورپیلی و ورسینگتون [۴] نشان می‌دهد که بخشیدن به معنای بازنگری شناختی مجدد خطای فرد خاطی است که به موجب آن مفاهیم خطا به شیوه جدیدی مورد توجه قرار می‌گیرند و فرد بخشنده می‌تواند فرد خاطی را ببخشد. گروهی از محققین معتقدند که [۵ و ۶] بخشش یک فرایند درون فردی و آشتی کردن را باید یک فرایند بین فردی تلقی کرد. همان‌طور که فرد بخشنده خطا را تعبیر مجدد (reframe) می‌کند، رفتارهایش نیز نسبت به فرد خاطی تغییر می‌کند. کسی که می‌بخشد دلبستگی به حوادث منفی گذشته را به حوادث مثبت تغییر می‌دهد. هر فردی در طول زندگی با خطاهایی مواجه می‌شود که در آن احساس بی‌عدالتی، صدمه، رنج روانشناختی و پریشانی می‌کند و این احساسات با پیش‌فرض‌های او در مورد خود، دیگران و جهان ناهماهنگ است و مجبور است تا راه‌هایی را برای کاهش رنجش خود انتخاب کند [۷]. بخشش یکی از انواع روش‌های پاسخ‌دهی به خطاهای ادراک شده است که به موجب آن افراد می‌توانند پاسخ‌های منفی‌شان را تغییر دهند و ناهماهنگی

ورسینگتون و شرر [ر.ک: ۱۹] و مالتبی، دی و باربر [ر.ک: ۲۰] مدلی از پیش‌بین‌های بخشش طراحی و با استفاده از روش تحلیل مسیر بررسی شد. مدل‌ها لزوماً از یک نظریه خاص استنتاج نمی‌شوند. مدل‌ها بر اساس سه منبع یعنی نظریه‌ها، تحقیقات انجام شده، منطق و استدلال پژوهشگر می‌توانند شکل بگیرند. اگرچه تحلیل مدل‌ها عمدتاً برای نظریه آزمایشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ولی چنانچه پژوهشگر در صدد بررسی فرضیه‌هایی با روابط میانجی باشد نیز می‌تواند مدل تدوین کند یا می‌تواند با ترکیب چند فرضیه یا نظریه از قبل موجود، مدلی جدید را تدوین و آن را آزمون کند [۲۲]. بر این اساس در این پژوهش این سوال مطرح می‌شود که آیا مدل پیشنهادی مربوط به پیش‌بین‌های بخشش (سبک‌های مقابله انطباقی و غیر انطباقی و عاطفه مثبت و منفی) برازنده داده‌ها می‌باشند؟

خود به حل تعارضات پردازند. یافته‌های ماچین و هور [۱۸] نشان می‌دهند که راهبردهای مقابله انطباقی رانندگان پیش‌بینی کننده عاطفه مثبت می‌باشد و زمانی که افراد در قبال فشارهای روانی انطباقی برخورد می‌کنند، بخشش بیشتری از خود نشان می‌دهند و سلامت روان بالاتری بهره‌مند می‌گردند. یافته‌های ورسینگتون و شرر [۱۹] نشان می‌دهند که بخشش با ارزیابی مثبت از موقعیت همراه است و بخشش سبک مقابله‌ای است که مقاومت روانشناختی افراد را افزایش می‌دهد. یافته‌های پژوهشی مالتبی، دی و باربر [۲۰] [اوکاستام، هولمز و لوین [۲۱] نشان می‌دهند که بخشش با نوعی احساس همدردی همراه است که می‌تواند توان مقابله با شرایط مختلف را برای فرد بخشنده آسان‌تر کند. با توجه به مجموعه ادبیات پژوهشی



شکل ۱. الگوی پیشنهادی پیش‌بین‌های بخشش

روش

جامعه آماری و نمونه تحقیق

میان ۱۰ دانشکده، ۵ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب و از میان هر دانشکده ۵ کلاس به طور تصادفی و از میان کلاس‌ها، نیمی از دانشجویان به طور تصادفی مورد آزمون قرار گرفتند. سپس از بین ۳۷۰ نفر، ۳۵۱ نفر (۲۰۸ دختر و ۱۴۳ پسر) به طور کامل پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان به ترتیب ۲۱/۴۶ و ۳/۰۸ سال است. هم‌چنین ۷۴/۷ درصد دانشجویان کارشناسی، ۱۸/۸ درصد کارشناسی ارشد و ۶/۵ درصد دکتری بودند.

جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشند که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل بودند (حدود ۱۵۰۰۰ نفر). بر اساس جدول کرجسی و مورگان، برای اجرای پژوهش به نمونه‌ای به حجم ۳۷۰ نفر احتیاج داشتیم. بنابراین این با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای از میان دانشکده‌های مختلف دانشگاه شهید چمران اهواز، ابتدا از

ابزار های تحقیق

در این پژوهش از پرسشنامه‌های زیر استفاده شد:

۱) مقیاس گرایش به بخشش هارتلند (Heartland Forgiveness Scale HFS)

این مقیاس یک ابزار خود گزارشی، مداد-کاغذی است که توسط تامپسون و همکاران [۲] ساخته و دارای ۱۸ گویه است که از سه خرده مقیاس بخشش خود (forgiveness of Self) گویه‌های ۱ تا ۶، بخشش دیگران (forgiveness of Others) گویه‌های ۷ تا ۱۲ و بخشش موقعیت (forgiveness of Situation) گویه‌های ۱۳ تا ۱۸ تشکیل شده است. این گویه‌ها روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از ۱ (تقریباً همیشه غلط) تا ۷ (تقریباً همیشه صحیح) از سوی آزمودنی‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. مقیاس بخشش کلی نیز از مجموع نمره‌های خرده مقیاس‌ها محاسبه می‌شود. ۹ گویه از این ۱۸ گویه (۲، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۷) به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در تحقیقات اولیه تامپسون و همکاران، پایایی به روش آلفای کرونباخ را برای مقیاس گرایش به بخشش کلی ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس‌های خود، دیگران و موقعیت به ترتیب برابر ۰/۸۳، ۰/۸۵ و ۰/۸۵ گزارش می‌کنند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای مقیاس بخشش کلی ۰/۸۳ و برای خرده مقیاس‌های بخشش خود، دیگران و موقعیت به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۸۴ و ۰/۸۶ به دست آمد. هم چنین روایی مقیاس گرایش به بخشش هارتلند به دو روش روایی سازه (از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین کل آزمون با خرده مقیاس‌های آزمون که نتایج بیانگر همبستگی مقیاس گرایش به بخشش هارتلند با سه خرده مقیاس بخشش خود، دیگران و موقعیت به ترتیب برابر با ۰/۷۸، ۰/۷۷ و ۰/۷۳ می‌باشد همگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند) و روایی همگرا (از طریق همبسته کردن این مقیاس با خرده مقیاس‌های رضایت از زندگی و خوش بینی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی [۲۳]) بود. نتایج روایی همگرا بیانگر ضریب همبستگی نمره کلی گرایش به

بخشش و سه خرده مقیاس بخشش خود، دیگران و موقعیت با خرده مقیاس رضایت از زندگی به ترتیب برابر با ۰/۴۴، ۰/۳۲، ۰/۳۵ و ۰/۳۶ و با خرده مقیاس شادی و خوش بینی به ترتیب برابر با ۰/۵۵، ۰/۳۹، ۰/۴۱ و ۰/۴۸ می‌باشد که همگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند.

۲) پرسشنامه سبک‌های مقابله

این مقیاس توسط راجر، جارویس و نجاریان [۲۴] ساخته شد و دارای ۶۰ گویه است که متشکل از سبک مقابله انطباقی با ۲ خرده مقیاس (منطقی ۱۶ گویه)، (گسلش ۱۵ گویه) و سبک مقابله غیرانطباقی با ۲ خرده مقیاس (هیجانی ۱۶ گویه) و (اجتنابی ۱۳ گویه) می‌باشد. گویه‌ها روی یک مقیاس ۴ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (همیشه) از سوی آزمودنی‌ها رتبه‌بندی می‌شوند. در پژوهش اولیه راجر و همکاران ضریب پایایی این مقیاس برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب برابر ۰/۸۸، ۰/۷۸، ۰/۸۹ و ۰/۹۰ می‌باشد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۶۶، ۰/۷۱ و ۰/۶۱ به دست آمد. همچنین در پژوهش حاضر روایی ملاکی نیز از طریق همبستگی خرده مقیاس‌های آن با پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا [۲۵] محاسبه شد. همبستگی بین خرده مقیاس مقابله اجتنابی (CISS) و مقابله اجتنابی (CSQ) ۰/۴۳ بود که در سطح ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد، همبستگی بین خرده مقیاس مقابله تفکر مدار (CISS) و سبک مقابله هیجانی و منطقی (CSQ) به ترتیب برابر ۰/۳۸- و ۰/۶۶- که در سطح ۰/۰۱ معنی دار بود و همبستگی بین خرده مقیاس مقابله هیجان مدار (CISS) و مقابله هیجانی و منطقی (CSQ) به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۳۲- که در سطح ۰/۰۱ معنی دار می‌باشد.

۳) مقیاس عاطفه مثبت و منفی

این مقیاس یک ابزار خودسنجی است و دارای ۲۰ گویه است که برای اندازه‌گیری دو بعد خلقی یعنی عاطفه مثبت و منفی طراحی شده است. این مقیاس توسط بخشی پور و دژکام [۲۶] به منظور سنجش عاطفه مثبت و

نتایج

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد بخشش کلی با سبک مقابله‌ی انطباقی و عاطفه مثبت، بالاترین ضریب همبستگی را نشان می‌دهد. در این پژوهش به منظور بررسی عوامل مؤثر بر بخشش با توجه به مجموعه ادبیات تحقیق، الگویی از پیشایندهای بخشش (راهبردهای مقابله انطباقی و غیر انطباقی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی) طراحی و تدوین شد. هدف نهایی پژوهش پس از طراحی و تدوین الگوی پیشنهادی، برازش دادن الگویی ساختاری از روابط بین متغیرها در جمعیت دانشجویی بوده است. برآورد حداکثر درست نمایی ۲ برای برآورد پارامترهای به دست آمده از روابط بین متغیرهای پیش بین به کار گرفته شد و نتایج در سطح معنی داری ۰/۰۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. قبل از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. شاخص‌های مذکور نشان می‌دهند که مدل پیشنهادی محققین نیاز به اصلاح دارد. لذا، ابعاد سبک مقابله غیر انطباقی (هیجانی و اجتنابی) به صورت دو متغیر مشاهده شده وارد مدل شدند و در متغیر مکنون سبک مقابله غیر انطباقی قرار نگرفتند و سبک مقابله اجتنابی نیز از مدل حذف شد.

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، مقدار مجذور کای نسبی (χ^2 / df) برابر با ۱/۹۵ است که حاکی از برازش خوب مدل می‌باشد. شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازندگی افزایشی (CFI) و شاخص برازندگی مقایسه‌ای (IFI) شاخص‌هایی هستند که برازش یک مدل معین را با مدل پایه نشان می‌دهند. هر چه این شاخص‌ها به یک نزدیک تر باشد، برازش مدل بهتر است. بر اساس مندرجات جدول ۳ مقدار شاخص برازندگی افزایشی (CFI) برابر با ۰/۹۸، و شاخص برازندگی مقایسه‌ای (IFI) برابر با ۰/۹۸ و شاخص‌های

منفی ترجمه و جهت اجرا آماده گردید. این مقیاس دو خرده مقیاس عاطفه مثبت و منفی دارد و هر خرده مقیاس ۱۰ گویه دارد. گویه‌ها روی یک مقیاس پنج نقطه‌ای از ۱ (به هیچ وجه) تا ۵ (بسیار زیاد) از سوی آزمودنی‌ها رتبه بندی می‌شوند و دامنه‌ی نمرات برای هر خرده مقیاس ۱۰ تا ۵۰ است. تحقیقات اولیه گزارش می‌کنند که ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس عاطفه مثبت برابر ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس عاطفه منفی برابر ۰/۸۷ است. ضریب پایایی خرده مقیاس عاطفه مثبت در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس عاطفه منفی ۰/۷۴ به دست آمد. همچنین روایی ملاکی آن نیز از طریق همبستگی خرده مقیاس عاطفه منفی با سیاهه افسردگی بک ۰/۵۸ و همبستگی خرده مقیاس عاطفه مثبت با این پرسشنامه ۰/۳۶- و نیز همبستگی خرده مقیاس عاطفه منفی با خرده مقیاس اضطراب آشکار پرسشنامه اضطراب آشکار- پنهان کتل ۰/۵۱ و همبستگی خرده مقیاس عاطفه مثبت با مقیاس اضطراب آشکار ۰/۳۵- گزارش شده [۲۶].

شیوه تحلیل داده‌ها

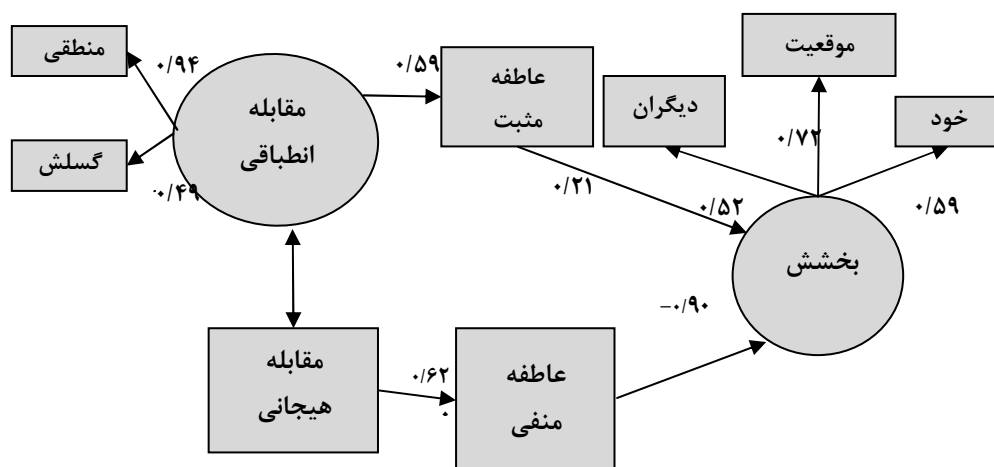
پژوهش حاضر، طرح همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری^۱ است که یک روش همبستگی چند متغیری می‌باشد. لذا، پژوهش حاضر به منظور پاسخ به این سؤال که آیا الگوی فرضی پیشنهاد شده برای بخشش برازنده داده‌ها می‌باشد. پژوهشگر با استفاده از تکنیک‌های تحلیل مسیر، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم را در الگوی مفروض شده، بررسی می‌کند. این الگو به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا روابط میان این مجموعه از متغیرها را تعیین و اثر علی متغیرها را بر یکدیگر فرض نموده و هم‌چنین برازندگی الگوی مفروض را بررسی نماید. پس از جمع‌آوری اطلاعات، داده‌ها با استفاده از دو نرم‌افزار PSS-16 و AMOS-16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

2. Maximum likelihood estimation

1. Structural Equation Modeling

قابل تعمیم به جامعه تحقیق می‌باشد. همان‌گونه که در مدل نهایی مشاهده می‌شود، سبک مقابله انطباقی به صورت غیر مستقیم از طریق عاطفه مثبت با بخشش رابطه دارد. هم‌چنین، سبک مقابله هیجانی به صورت غیر مستقیم از طریق عاطفه منفی با بخشش رابطه دارد. عاطفه مثبت به طور مستقیم موجب افزایش بخشش می‌شود.

نیکویی برازش (GFI) برابر با ۰/۹۸ است که حاکی از برازش خوب مدل پژوهش حاضر می‌باشد. شاخص ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب (RMSEA) یکی دیگر از شاخص‌های برازندگی است که این مقدار ۰/۰۵ است و بیانگر برازش خوب مدل است. به عبارت دیگر، مدل اصلاح شده مذکور با پذیرش احتمال خطای ۰/۰۵



شکل ۲

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

متغیر	شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
مقابله انطباقی		۷۶/۵۹	۱۰/۱۶
منطقی		۴۵/۳۵	۶/۹۷
گسلش		۳۱/۲۴	۴/۸۷
مقابله غیر انطباقی		۶۶/۲۹	۷/۹۱
اجتنابی		۳۴/۳۳	۵/۵۶
هیجانی		۳۱/۹۶	۴/۴۶
عاطفه مثبت		۳۷/۳۴	۵/۴۷
عاطفه منفی		۲۷/۰۴	۶/۷۱
نمره کلی بخشش		۸۴/۲۴	۱۳/۷۶
بخشش خود		۲۷/۳۵	۶/۵۰
بخشش دیگران		۲۹/۴۹	۶/۷۹
بخشش موقعیت		۲۷/۴۰	۴/۷۴

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	مقابله انطباقی	مقابله غیر انطباقی	عاطفه مثبت	عاطفه منفی	بخشش کلی
۱-مقابله انطباقی	۱				
۲-مقابله غیر انطباقی	**۰/۱۹	۱			
۳-عاطفه مثبت	**۰/۵۲	۰/۰۳	۱		
۴-عاطفه منفی	**۰/۲۷	**۰/۵۰	**۰/۱۸	۱	
۵-بخشش کلی	**۰/۴۳	**۰/۲۴	**۰/۴۶	**۰/۳۲	۱

**p<۰/۰۱

جدول ۳. برازش دو الگوی پیشنهادی و اصلاح شده با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

شاخص	2χ	df	χ^2/df	GFI	IFI	CFI	RAMSEA
الگوی پیشنهادی	۲۲۲/۰۶	۲۴	۹/۲۵	۰/۸۹	۰/۷۸	۰/۷۷	۰/۱۵
الگوی اصلاح شده	۳۱/۲۴	۱۶	۱/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۵

بحث و نتیجه گیری

مقابله‌ی هیجانی ادغام می‌شوند و از طریق ایجاد عاطفه منفی با بخشش رابطه منفی برقرار می‌کند. نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر درباره اثر مستقیم بین عاطفه مثبت و بخشش با یافته‌های دیگران [۱۰، ۱۲ و ۱۳] همسو است. وقتی بتوان با فشار روانی کنارآمد، احساسات مثبت عاطفی زمینه را برای بروز بخشیدن ایجاد می‌کند. راهبردهای مقابله انطباقی منجر به تجارب هیجانی خوشایندی می‌گردد که مولد عاطفه مثبت هستند. عواطف مثبت نیز در افراد باعث احساس رضایت از زندگی، شکرگزاری و بخشش خواهد شد. درباره‌ی ارزیابی مدل اثر غیرمستقیم مقابله هیجانی نیز می‌توان چنین استدلال کرد، مقابله هیجان‌مدار، مقابله‌ای منفعلانه و شیوه‌ای نامناسب برای رویارویی با مشکلات است و افراد دارای سلامت روان کمتر، از این راهبرد استفاده می‌کنند این افراد نسبت به تجربه هیجانات منفی آسیب پذیرند، این آسیب‌پذیری ممکن است ظرفیت آن‌ها را برای چشم‌پوشی از عواطف منفی مسدود کرده و مانع از تلاششان برای

پژوهشگران در پی پاسخگویی به این پرسش هستند که آیا مدل سبک‌های مقابله انطباقی و غیرانطباقی و عاطفه مثبت و منفی مدلی گویا برای پیش‌بینی بخشش محسوب می‌شود. بنابراین در پژوهش حاضر با هدف آزمودن الگویی از پیش‌بین‌های بخشش در جمعیت دانشجویی مدلی طراحی شد. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که سبک‌های مقابله انطباقی منجر به بروز بخشش می‌گردد [۱۹ و ۲۰]. ارزیابی مدل تحلیل مسیر در پژوهش کنونی اثر مقابله انطباقی بر عاطفه مثبت را تایید می‌کند و نتایج همسو با سایر تحقیقات است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که افراد با سبک‌های مقابله‌ی انطباقی قادرند از فشارهای روانی بکاهند و خودکارآمدی را در خود افزایش دهند و تجارب هیجانی خوشایند و مثبتی را تجربه کنند که یکی از مهم‌ترین پیامد آن عاطفه مثبت است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در تحلیل این مدل دو سبک مقابله‌ی هیجانی و اجتنابی در یک سبک

گذشته وجود داشت [ر.ک: ۱۷] که بخشش نوعی سبک مقابله هیجانی محسوب می‌شود ولی علت زیربنایی آن چندان با مفاهیم ساده روانشناختی مشخص نبود. مدل اصلاحی کنونی نشان می‌دهد که در هر حالت سبک مقابله انطباقی از طریق حل منطقی موقعیت خطا می‌تواند نوعی احساس مثبت را شکل داده و منجر به بخشش گردد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی سایر سازه‌های روانشناختی هم‌چون همدردی و همدلی با بخشش در جمعیت‌های بالینی و غیربالینی در یک مدل جامع‌تر طراحی و برازش گردد.

پذیرش عواطف مثبت گردد و به این ترتیب میل به بخشش را در آن‌ها کاهش داده و یا آن را به تأخیر می‌اندازد. پژوهش کنونی نشان می‌دهد که مدل اصلاح شده از برازش خوبی برخوردار است به طوری که مقابله انطباقی از طریق عاطفه مثبت و پذیرش و حل خطای فرد خطاکار منجر به بخشش می‌گردد. از سوی دیگر سبک مقابله هیجانی نیز از طریق عاطفه منفی یعنی بخشش بدون چشم‌پوشی از خطا و فقط در جهت مقابله با موقعیت از طریق عاطفه منفی منجر به بخشش می‌شود. این ابهام در پاره‌ای از تحقیقات

منابع

10. Ong, A.D, Bargeman, C.S, Biscotti, T.L. Wallace, K.A. (2006). Psychological Resilience, Positive Emotions, and Successful Adaptation to Stress in Later Life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91,pp: 730-749.
11. Orcutt, H.K.(2006).The prospective relationship of interpersonal forgiveness and psychological distress symptoms among college women. *Journal of Counseling Psychology*,53,pp:350–361.
12. Lawler-Row, K.A. & Piferi, R.L.(2006). The forgiving personality: Describing a life well lived? *Personality and Individual Differences* , 41,pp:1009–1020.
13. Koustos, P, Wertheim, E , Kornblum, J. (2008). Paths to interpersonal forgiveness: The roles of personality, disposition to forgive and contextual factors in predicting forgiveness following a specific offense. *Personality and Individual Differences*, 44, pp:337–348.
14. Ahadi, B. & Ariapooran, S.(2009). Role of Self and Other Forgiveness in predicting Depression and Suicide Ideation of Divorces, *Journal of Applied Sciences*, 9, pp: 3598-3601.
15. Mauger, P.A., Perry, J.E., Freeman,T., Grove, D.C., McBride, A.G., and Mckinney, K.E.(1992).The measurement of forgiveness: Preliminary research, *Journal of Psychological Christianity*, 11,pp: 170-180.
16. McCullough, M.E., Fincham, F.D., and Tsang, T.(2003). Forgiveness, forbearance and time: The temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 8,pp: 540-557.
17. Sterlan, P, and Covic, T (2006). A review of forgiveness process models and a coping frame work to guide future research. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25,pp:1059-1085.
18. Machin , M.A. & Hoare, P.N. (2008)The role of workload and driver coping styles in predicting bus drivers' need for recovery, positive and negative affect, and physical symptoms. *Journal of Anxiety*, 21, pp:359-375.
1. Keyes, C.L.M.(2002). The mental health continuum: From languishing to flourishing in life. *Journal of Health Social Behavior*, 43, PP. 207-222.
2. Thompson, L.Y, Snyder, C.R, Hoffman, L., Michael, S.T, Rasmussen, H.N, Billings, L.S, et al.(2005). Dispositional forgiveness of self, other, and situations. *Journal of Personality*, 73, PP: 316–360.
3. Toussaint, L.L, Williams, D.R, Musick, M.A, & Everson, S.A.(2001). Forgiveness and health: Age differences in a U.S. probability sample. *Journal of Adult Development*, 8, pp: 249-257.
4. Ripley, J. & Worthington, E.L.J .(2002). Hope-focused and forgiveness-based group interventions to promote marriage enrichment. *Journal of Counseling and Development*,80, pp:452–464.
5. McCullough, M.E., & Hoyt, W.T.(2002). Transgression-related motivational dispositions: Personality substrates of forgiveness and their links to the big five. *Journal of Personality and Social Psychology*, 28,pp: 1556–1573.
6. Harris, A, Luskin, F, Norman, S, Standard, S, Bruning, J, Evans, S. & Thoresen, C.(2006).Effects of a group forgiveness intervention on forgiveness, perceived stress, and trait-anger. *Journal of Clinical Psychology*, 62, pp:715–733.
7. Miller, A. J., Worthington, E.L, & McDaniel, M.A, (2008). Gender and forgiveness: A meta-analytic review and research agenda. *Journal of Social and Clinical Psychology*; 6, pp: 234-340.
8. Walrond-Skinner, S.(1998). The function & Role of Forgiveness in working with Couples and families: Clearing the ground. *Journal of family therapy*, 20, pp:3-19.
9. Hammond, W.P., Banks, K.H. Mattis, J.S.(2006). Masculinity Ideology and Forgiveness of Racial Discrimination among African American Men: Direct and Interactive Relationships. *Journal of Sex Roles*, 55,pp: 679–692.

24. Roger, D., Jarvis, G., Najarian, B. (1993). Detachment and Coping: The Construction and Validation of a New Scale for Measuring Coping Strategies. *Personality Individual Differences*, 15, pp: 619-626.
۲۵. شکر، امید؛ تقی‌لو، صادق؛ گراوند، فریبرز؛ پاییزی، مریم؛ مولایی، محمد؛ آزاد عبدالله‌پور، محمد و اکبری، هادی (۱۳۸۷). ساختار عاملی و ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا. تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۰، شماره ۳ صص ۲۲-۳۳.
۲۶. بخشی‌پور رودسری، عباس و دژکام، محمود. (۱۳۸۴). تحلیل عاملی تأییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی. مجله‌ی روانشناسی، سال نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۶)، صص ۳۵۱-۳۶۵.
19. Worthington, E.L.J, & Scherer, M.(2004). Forgiveness is an emotion-focused coping strategy that can reduce health risks and promote health resilience: Theory, review, and hypotheses. *Journal of Psychology and Health*, 19, pp: 385-405.
20. Maltby, J. Day, L. Barber, L. (2004). Forgiveness and mental health variables: Interpreting the relationship using an adaptation-continuum model of personality and coping. *Personality and Individual Differences*, 37, pp: 1629-1641.
21. Konstam, V., Holmes, W. , Levine , B.(2003). Empathy, selfism and coping as elements of the psychology of forgiveness: A preliminary study. *Counseling and Values* 47. pp: 172-183.
22. Tepper, B.J., Duffy, M.K., Henle, C.A, and Lambert, L.S.,(2006). Procedural injustice, victim precipitation, and abusive supervision. *Personnel Psychology*. 59, pp: 101-123.
۲۳. زنجانی طبسی، رضا. (۱۳۸۳). ساخت و هنجاریابی آزمون بهزیستی روان‌شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران.